

پیر خانه لر جنید آمانی متوفی فروردین

شماره ۴۸

۱۹۵۸-۱۹۹۱

۹۱

سلام بر همه اجداد و پدران و پسران و نوه ها . مادر بزرگواران برسانند . دریا سنج نامه دلیلی بر در سراز لطف و قنوتی و
 هر آنی که باشد از زبان حافظ جاوید مان بگویم بدین مکه باشم که بر آن خاطر خاطر گذردم . با این حرفها که از زبانم
 که از فوس که سالها در راز حیدر ای نگداشته است که تا مهر گرا بر سره بپوشد و بنام زیمون دو خوش اندازند و در دست
 بخشد که با سنج نامه خوبان را انقدر در می فرستم . بنا بر دعوت بنیاد فرهنگی مجله بر در جنب انجمن
 پژوهش و حافظ بیانه به امر کفایت بودم تا در حین آن شعر خوانی در تهران و انگلستان ، دارا سمن آنتونو ، سمن
 که گفتم . شبی که در دارا سمن بودم و در سالن سرشت به ... گفتگو کرده بودند ، من گفتم شعر خوانی از حافظان پرستم
 که کم یک از شما هم مینشان غزنیان اصطنان هستد یا در اصطنان بوده اید لطفا دست آن را بلند کنید . ناگاه در آن
 سالار نه تار یک دست که بسیار با بالا رفت و در از نیم ساعت شعر خوانی ام وقتی صراحتها روشن شد دیدم بستر
 چنان آنگه آلودند و جمعیت خود من جمع شدند تا گفتم را که حرفه بودند برایشان اضا گفتم . خاطر هوان شب بر آم
 فراتر از آن است که وطن و مملکت حقید بر ام غزنیان است . افسوس ما خودم که نمی دانم پیر خانه مان آمانی
 سعید مدبری ساکن دارا سمن اند که در کتاب به سرانجام ما فرستم .

این حدیث را از آن سبب نوشتم که بگویم مردم اصطنان مان ۳۵ سال در کتاب "سازمان اصطنان" برای
 نخستین بار لقب "رازم اصطنان" را به من دادند در صورتیکه نام من در مملکت و مملکت بودم . اما من در محافل
 ادبی و ادبیات با اصطنانها شناخته شده ام و اتنا هم می کنم .

در من آنتونو دیدم که کتاب فرقی ایران دو مجموعه اشعار را از آنم که در آنم که خدمتان
 هست و البری سگت ، را که در آن کتاب چاپ شده ، تجدید چاپ کرده اند و ادبی را عددی ۱۸ و در می را
 ۷ دلار می فروشند . ناشر که بوده که بدون توافق و اطلاع من آن مجموعه را تجدید چاپ کرده ، نمیدانم .
 البته این کار خلاف مقررات مطبوعات است اما خوب بدو است . می دانم از روزی سگت و ای یاد سه طبعی دو
 مجموعه اشعار را که در لندن چاپ شده در برایتان دو سه سال پیش در ستانم ، بدستان رسیده است یا نه .

ضمیمه دلم می خواند قضیه از آن کتابها و شعری تازه ام را در اصطنان چاپ کنند . آخر من
 را در تمام راه دوست می دارم و می خوانم ما دیگر در آنجا دسته باشم ، اگر کتابها عتیقه در تهران نشر می شود
 مثل "روزگار خاوش" یا "راهبان" شعر معاصر ایران و در نهایت خاطر نیز مرتباً می رسد .
 آیا ممکن است در مورد چاپ مجموعه از چنانچه آمانی که فرقی از اصطنان تحقیق بفرمایند ؟
 آخر خودتان حوصله اید که اگر کار در دسته باشم لطفاً زحمت آنرا قبول خواهید کرد .

سلام گرم و بر محترم را به خانه حال غزنیان که همیشه یادشان می کنم به خانه های دیگران و به
 هم خوشان و بویژه به خانم و فرزندان گرامی خودتان برسانند . تجده زن ایرانی که در تورنتو کانادا
 انتاریو می ماند در دوره سگاره سرخ زندگی و شعر سرا چاپ کرده است . خوبه می آید اگر خانم با آن مجله
 تماس می گیرند . بخشد که نامه ام انقدر مفضل شد . گفتم؟ زیاد است . روز دهم بند شد و دارا سمن
 فرقیان

آرامش